رسانید و ابو الغیث رحمه الله از ابوذر غفاری رحمه الله نقل میکند که حضرت رسول صلعم فرمود که اگر اول و آخر شما و همه انس و جن پاکیزه ترین
و پرهیزکارترین دل مردی باشند از شما بصورت در ملک خدای هیچ چیز زیاده نشود و اگر پیشینیان و پسینیان و آدمیان
و پریان و بر دل فاجرترین شخصی باشند از شما بدین جهت در ملک حق سبحانه مقدار پر پشه نقصان نیاید و این نظم را گفته‌اند بیت
کعبه شیخ منه زینک بالفضول : که بملک معرفت صاحب قبول : شمه برگوی از استغنای حق : شیخ گفتش غیر برگردان ورق
پرورگاه عزت بارنیست : هر دو عالم را درین ره کار نیست : زیر و یا گر کبر دو نور دین : ملک او را هیچ نفزاید ازین : ور شود از کفر پر
جهان : هم نکاهد یک سر موی از آن : ملک او از کفر و از دین برتر است : عقل اینجا همچو حلقه بر در است : گر بگیری در بجنبی ای پسر
کیانست و انه الغنی یُرِیدُ اللهُ میخواهد خدای بارادت علت اَلَّا یَجْعَلَ لَهُمْ که نگرداند یعنی نباشد مر ایشان را حَظًّا فِی الْآخِرَةِ بهره
ثواب آن جهانی و نعیم جاودانی و در حقایق سلمی مذکور است که حکم ازلی مشغول گردانید ایشان را بچیزی که هلاک ایشان در آنست و آن جهت
جوی اسباب زندگانی و تهیه مهمات نفس و منیت وَلَهُمْ و ایشان را با وجود حرمان از ثواب عَذَابٌ عَظِیمٌ عذابی بزرگست
یعنی بسیار و دایم اِنَّ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الْکُفْرَ بتحقیق آنانکه بخریدند کفر را بِالْاِیمَانِ بایمان یعنی کفر را برایمان اختیار کردند لَنْ یَضُرُّوا اللهَ
شَیْئًا هرگز زیانی نکنند خدای را چیزی که ملک مر او را بنقص خود رسانند چه وبال فعال ایشان بایشان بازگردد وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِیمٌ
و مر ایشان راست عذابی دردناک که الم آن بدلهای ایشان رسد و علی الدوام تالم یابند بانقطاع و انفصام ایشان از حاصل علمای
که تکرار این نفره اما گیاست در نفی ضرر ایشان از اهل حق یا اول عدم ضرر مسارعست و ثانی نفی ضرر اشترا یا توضیست با کم کاذکر
خود مستقر است چنانچه منافق بنفاق خویش و برین تقدیر آیه سابق در شان منافقان بود و لاحق درباره کافران و بعضی گفته‌اند که اول تعلق
باهل نفاق دارد و ثانی بیهود یا اول کفار عرب اند و ثانی یهود یا اول یهود اند و دوم کافران علی العموم یا اول ذکر منافقانست و ثانی
مرتدان ای عزیز اگر حمل آیه ثانی بر مرتد و یهود کنند اشترا کفر بایمان ظاهر است و اگر کفار را اصلی محمول سازند مراد ترک ایمان میباشد
یا ایثار کفر بر ایمان یا قیام دلایل و حمل بر منافقان بآن معنی باشد که بعد از اظهار ایمان با مومنان کفر خود را بر یاران خود ظاهر پس بحقیقت نقد
ایمان زا داده باشند و متاع کفر خریده ع و ندرین سودا نباشد جز زیان سود دیگر : و چون منافقان متخلف از قتل متبرسیدند
بقا و زندگانی از جهاد و تقاعد می ورزیدند حق تعالی بیان میکند که بقا متخلفان بهتر نیست از قتل مومنان چه ایشان بسعادت شهادت
نعیم مقیم شدند و آنان بتکلف تخلف پابسته زندان جحیم خواهند شد و این معنی را که مشتمل است بر تسلیه مومنان و وعید کافران بر سبیل
مخاطبه با سید عالمیان میفرماید وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا و می پندار ای محمد آنکسانی را که کافر شده بودند بورزیدن نفاق اَنَّمَا نُمْلِی لَهُمْ
که آنچه مهلت میدهیم مر ایشان را و درین سرای نیع آورده که آنچه عطا کرده ایم ایشان را از مال و فرزند و حقیقت آنست که کافران بسبب آنکه امان میدهیم کافران
و عذاب ایشان در تاخیر می افکنیم خَیْرٌ لِاَنْفُسِهِمْ بهتر است مر نفسهای ایشان را بلکه بهتر آن بودی که در راه خدای شهید شدندی
و اگر بعینیت خوانند مراد مشرکان مکه اند یا یهود قریظه و نضیر و اولی آنکه عام گیرند در حق کفار و معنی آن باشد که نه پندارند تا کافران که مهلت
دادن ما و در قید حیوه گذاشتن ایشان را بهتر است اِنَّمَا نُمْلِی لَهُمْ بدرستی که ما درنگ میدهیم ایشان را لِیَزْدَادُوا اِثْمًا تا زیاده

کردند

گرداننده را در دین باطل خود ثابت تر باشند ای عزیز حق سبحانه بعلم قدیم دانسته بود که ایشان هرگز ایمان نیارند و زندگی ایشان
ایشان را بجز کفر و شرک نیفزاید و در حسن المعانی آورده که لام لیزدادوا لام عاقبت است چنانچه ع لدوا للموت وابنوا للخراب : یعنی معنی چنین
باشد که ایشان را مهلت دادیم و عاقبت ایشان بزیادتی گناه خواهد انجامید و درین جهان وَلَهُمْ و مر ایشان راست بسبب آن گناهان عَذَابٌ
مُهِینٌ عذابی خوار کننده و رسوا سازنده باشد در آن جهان و همچنین ظالمان و فاسقان را که مهلت میدهد از جمله استدراجات
تا در آن طغیان و عصیان ورزند و ناگاه عذاب الهی ایشان را فرو گیرد : فَاَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا یَشْعُرُونَ بیت گر دست اجل بگیرد
با آن رحلت کرکوی توان بود دست : مغرور مشو که از پرده غیب : آواز آید که فلان مرد درست : ای عزیز هر چیزی که سبب نقصان
نقصان باشد از اموال و اهمال آن را از انعامات الهی نباید شمرد بلکه امهالی را که وقوع شود جزای معاصی گذشته باید شناخت
و نبا رسیدن عقوبت بر عقب فساد و معصیت غرت نباید بود چه بزرگان گفته‌اند بعد از مباشرت گناهی اجتناب از توبه و اصرار بر گناهی
دیگر عین گرفتن و عقوبت کردنست اما جاهل ازین حال غافل شده و در آیه اِنِّی اَخَذْتُ اَلِیمٌ اشارتی باین معنی هست و در مثنوی مناسب این
معنی گفته بیت آن یکی میگفت در عهد شعیب : که خدا از من بسی دیدست عیب : چند دید از من گناه و جرمها : وز کرم یزدان نمیگیرد مرا : حق تعالی
گفت در گوش شعیب : در جواب او فصیح از راه غیب : که بگفتی چند کردم من گناه : و ز کرم نگرفت در جرمم اله : عکس میگوئی و مقلوب ای سفیه
ای رها کرده ره و بگرفته تیه : چند چندت گیرم و تو بیخبر : در سلاسل مانده پا تا بسر : این که بر جرمت و گر جوئی زنو : می گرفتی بود ای گول جو
بعد از ذکر امهال کافران از فایده مقاتله با ایشان که تمیز منافق و موافقست خبر میدهد و میگوید مَا کَانَ اللهُ لِیَذَرَ الْمُؤْمِنِینَ خدای را نیست
بایست چنانکه بگذارد مومنان را عَلَی مَا اَنْتُمْ عَلَیْهِ بر آنچیزی که شما بر اوئید ای منافقان از ضعف بر ایشان و دخفا با ایشان
بلکه مراد قدرت نقد حال بر محک امتحان زند حَتَّی یَمِیزَ الْخَبِیثَ تا وقتی که جدا کند پلید را که او منافقست مِنَ الطَّیِّبِ از پاک
یعنی مومن مخلص اگر تمیز بتشدید خوانند که از باب تفعیل باشد از و مبالغه فهم توان کرد و معنی حق تعالی نیک تمیز کند منافق را از مومن و این
تمیز بجهاد باشد تا منافقان تخلف نموده با اعدا دین محاربه نکنند چنانچه روز احد با ظهور رسید
حق سبحانه عالم را اصرار بر آن مطلع سازد و صحابه را حقیقت احوال ایشان معلوم گرداند یا بعلامات و دلالاتی که موجب استدلال علما باشد
بر نفاق ایشان و گفته‌اند خطاب با کافرانست و معنی آنکه حق تعالی مومنان را نخواهد گذاشت بر آنچیزی که شما بران بوده اید قبل از غیبت بلکه تکلیف
هجرت و تحریص قتال تمیز خواهد بود و در تفسیر ضحاک گوید خطاب مشرکانند و مضمون آیه آنکه فرزندان مومن شما را در اصلاب شما بگذارد
یعنی آنها که بعلم ازلی ایمان ایشان را دانسته بلکه از ان جواهر پاکیزه را از معادن آلوده بیرون آرد و یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ در انوار آورده
که خطاب با عامه مخلصان و منافقانست که در آن عصر بوده اند و فحوای کلام آنکه خدای شما را بگذارد بر مختلف بلکه مخلص از منافق متمیز
سازد و گویند این مخاطبه با مومنانست و بطریق التفات از غیبت بخطاب آمده که میفرماید حق سبحانه شما را ای مومنان نگذارد که بر آنچه
حالی هستید از اقرار بزبان تا وقتی که باحکام شرعیه تکلیف کند یعنی نه آنست که شما را بمجرد اقرار فرو گذارد بلکه بفرایض و واجبات ممتحن ساخته
بجهاد و قتال فرماید تا مطیع از عاصی متمیز شوند و جمعی برانند که خبیث گناه است و طیب مومن رب العالمین مومنان را بر گناه نگذارد بلکه

Copyright © King Saud University